

بلاک چین؛ ظرفیت مغفول زیست بوم فناوری

۵۰۰



فرهختگان دانشگاه

شماره مسلسل: ۲۸۱ | یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹ | ۲۲ مهر ۱۳۹۹ | ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰ | شماره: ۴۱۴
Sun | 13 Sep 2020 | vol.12 | No. 3133 | 16 Pages

www.fdn.ir

گزارش «فرهختگان» از قدرت دانشگاه‌های کره‌ای در حوزه‌های فناوریانه و تجاری

رهنم موفقیت:

مشارکت تحقیقاتی دانشگاهی و صنعتی

۶۰۰



آیین نامه اجرایی کانون های فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی پس از ۶ سال مورد بازنگری قرار گرفت

جزئیات تشکیل شبکه سراسری

کانون های فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد

۶۰۰

یادداشت

نشر اکاذیب در فضای مجازی؛ چالش ها و بایسته ها

خالی آن در حقوق کیفری ایران به عنوان یک تصمیم قضایی از سوی مقام قضایی خالی به نظر می رسد.

در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده اشخاص، بدون نیاز به توجیه ماهیت درخواست، حق دارند اطلاعات یا اسناد حاوی اطلاعات را مطابق میل خود از نهاد های عمومی مطالبه کنند و این یکی از پایه های اساسی شفافیت یک حکومت مردم سالار است. در همین راستا قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ در ماده ۲ مقرر داشته هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد مگر آنکه قانون منع کرده باشد. در سال ۱۳۹۸ نیز شیوه نامه های مرتبط با این قانون نگاشته شده است، اما در خصوص دو موضوع حق بر فراموش شدن در فضای مجازی و جایگاه مدیر محتوای رسانه اجتماعی، صحبتی نشده است.

در ماده ۲ طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام رسان های اجتماعی آمده که عرضه و ارائه خدمات پیام رسان های اجتماعی داخلی و خارجی در کشور مستلزم ثبت در پنجره واحد و رعایت قوانین کشور است. فعالیت پیام رسان های خارجی و داخلی اثرگذار مشروط به تایید هیات ساماندهی و نظارت خواهد بود. در فصل سوم این طرح به مسئولیت مدیران پیام رسان ها اشاره شده است، از جمله اینکه مدیران پیام رسان های اجتماعی و ارائه دهندگان خدمات دسترسی و میزبانی، حسب مورد مکلف به صیانت از داده های خصوصی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی بوده و رأسا به تشخیص خود حق حذف حساب کاربری و مطالب فاقد محتوای مجرمانه و غیرمجاز را ندارند. این موضوع رافع مسئولیت قانونی سایر اشخاص نیست.

شایسته تر این است که مقنن هیات ساماندهی فضای مجازی را مکلف به تنظیم یک منشور اخلاقی در زمینه تولید محتوا و کامنت گذاری در فضای مجازی کند و آنگاه مدیریت پالایش را به خود مدیران پیام رسان ها یا شبکه های اجتماعی که نیروی بومی در ایران دارند بسپارد. در بند ۱۰ ماده ۷ این طرح آمده که پیام رسان های اجتماعی موظفند در صورت اعلام مراجع ذی ربط در خصوص نقض مالکیت معنوی و اخلاق عمومی، اهانت به مقدسات، ... محتوای مجرمانه، فعالیت غیرقانونی، جرائم و فعالیت های سازمان یافته ضد امنیتی و نیز انتشار اسناد مجرمانه از تداوم انتشار محتوا در بستر پیام رسان ممانعت به عمل آورده و این نوع فعالیت را موقتا تا صدور رأی قضایی متوقف و محتوا را از دسترس خارج سازند. ایراد وارده بر این بند این است که شرط انجام تکلیف مقرر در این بند را اعلام مراجع ذی ربط عنوان کرده است حال آنکه خلاف سیاست های برون سپاری و اعتماد در تمشیت امور داخلی مدیران پیام رسان هاست، یعنی مقنن باید پاکسازی فضای مجازی را علاوه بر دستور مقام قضایی به خود مدیران پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی بسپارد و این سیاست خود تنظیمی (Self-Adjusting) به مرور باعث می شود تا کاربران اخلاق تولید محتوا و کامنت گذاری را با توجه به سیاست های هر پلتفرم یاد بگیرند و با توجه به سامانه گزارش دهی و به اصطلاح سوت زنی (whistleblowing) که هم اکنون نیز در پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی بر طرفدار نظیر اینستاگرام و توئیتر و فیس بوک تحت عنوان (Report) وجود دارد هر کاربر می تواند گزارش نامناسب بودن محتوای تولید شده را به مدیر محتوای پلتفرم مربوطه ارجاع دهد تا اینکه حذف یا پالایش محتوا را به دستور یک مقام رسمی و دولتی یا یک ارگان امنیتی یا نظامی موکول کرد.

نتیجه و راهکار

فضای مجازی به عنوان محلی برای درج تراوشات ذهنی و مکنونات قلبی کاربران آن، بستر و فرصتی برای خوب بودن یا بد بودن انسان هاست. امکان دیده نشدن واقعی دیده نشدن در این فضا این فرصت را به افراد دچار ناهنجاری های اخلاقی و روانی و تربیتی می دهد تا بتوانند موج های غلط رسانه ای و اجتماعی ایجاد کنند تا با تحقیر دیگران خود دیده شوند. در کشورهای متحول به لحاظ حقوقی که دسترسی آزاد به اطلاعات را به عنوان یک حق بشری به رسمیت می شناسند یکی از سرفصل های دروس به صورت الزامی در دوران دبستان و دبیرستان بحث مهارت های اجتماعی و تعاملات رفتاری مبتنی بر اخلاقیات است. (Personal, Social, Health and Economic) هدف از این درس کمک به کودکان و نوجوانان برای به دست آوردن توانایی برخورد با موضوعات و مسائلی است که می تواند سلامت ارتباطی آنها را خدشه دار کند.

از نظر نویسنده این نوشتار راهکار بلندمدت، آموزش اجتماعی به همه شهروندان به ویژه کودکان و نوجوانان در مدارس است. اما به عنوان راهکار کوتاه مدت و مقطعی اولاً تصمیم گیران فضای مجازی باید پیام رسان های خارجی را به عنوان یک واقعیت بپذیرند و در ایران به آنها نمایندگی رسمی بدهند که استفاده کنندگان از این نرم افزارها قابل رویت بیشتری باشند و برای ورود به این پیام رسان ها و شبکه ها نیازی به استفاده از فیلتر شکن نباشد. ثانیاً یکی از مشاغلی که در کشورهای متحول به لحاظ فضای مجازی وجود دارد و جای آن در ایران خالی به نظر می رسد تغذی تحت عنوان «مدیر محتوای رسانه اجتماعی» است (social media content moderator) و وظیفه چنین فردی کنترل محتوای پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی از نظر اخبار دروغ، تهمت، افترا، شایعه و توهین و نفرت پرانی است؛ چه در قالب تولید داده و محتوا و چه در قالب کامنت گذاری. در طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام رسان های اجتماعی که اخیراً اعلام وصول شده است جای مدیر محتوای فضای مجازی خالی به نظر می رسد. این یکی از شیوه های تدبیر (اعاده حیثیت در صورت امکان) است که مقنن در دو ماده ۶۹۸ و ۷۴۶ به آن اشاره کرده است. یعنی بعد از اینکه پیام رسان هایی مانند تلگرام، توئیتر و فیس بوک از حالت فیلتر خارج شده و جمهوری اسلامی ایران آنها را به عنوان یک واقعیت بپذیرد و در ایران نمایندگی رسمی داشته باشند. فارغ از بحث تحریم آنگاه مدیر محتوای فضای مجازی در هر پلتفرم به عنوان یک اقدام پیش دستانه باید بر داده های تولید شده در فضای تحت مدیریت خود نظارت کند؛ چه در قالب تولید محتوا و چه در قالب کامنت گذاری و همچنین در مورد احکام قضایی صادر شده که در مقام اعاده حیثیت بزه دیده دستور یا قراری صادر می کند مثلاً حذف یک محتوا یا داده پیام یا بستن یک صفحه و امثالهم تمکین کند. ثالثاً موضوع دیگر که جای آن در این طرح خالی است بحث «حق فراموش شدن» (Right to be forgotten) در فضای مجازی است به این معنا که افراد (به طور خاص بزه دیدگان) می توانند از موتورهای جست و جو نظیر گوگل یا مدیران پلتفرم های نظیر فیس بوک یا توئیتر یا اینستاگرام بخواهند اطلاعات مربوط به آنها را حذف کنند تا در صورت جست و جوی نام آنها یا کلیدواژه های مرتبط با آنها (که با هشتگ # برجسته می شود) در دسترس نگاه کاربران قرار نگیرد که این موضوع نیز مجال مستقل دیگری را برای نوشتار طلب می کند، اما جای

گذشت است. بر پایه این ماده: هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد یا به همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یادشده به نحوی از انحا ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

به این ترتیب اکنون نشر اکاذیب به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی قابل گذشت است، اما نشر اکاذیب به وسیله سامانه رایانه ای یا مخابراتی غیرقابل گذشت است که البته این دوگانگی در اتخاذ سیاست جنایی از سوی مقنن محل ایراد است.

از نظر عناصر تشکیل دهنده جرم در ماده ۶۹۸ به طور خلاصه باید گفت عنصر مادی (فتار، شرایط تحقق و رکن نتیجه) به ترتیب رفتار فیزیکی شامل فعل فیزیکی مثبت اظهار کردن یا نسبت دادن مطالب کذب است.

از نظر شرایط تحقق جرم، اولاً نشر اکاذیب الزاماً باید از طریق کتابت باشد. ثانیاً لازمه تحقق جرم انتشار و علنی شدن است و واژه نشر نیز نشان دهنده علنی شدن و آشکار شدن است. به همین ترتیب وقتی بحث تشویش اذهان عمومی مطرح می شود مشخص است که باید موضوعی آشکار شده باشد که بتواند اذهان عمومی را مشوش کند که البته تشخیص با مقام قضایی است. ثالثاً رفتار مرتکب در این ماده اظهار اکاذیب است پس اظهار اخبار واقعی جرم نیست حتی اگر باعث تشویش اذهان عمومی شود. رابعاً از عبارت «اکاذیبی را اظهار نماید» مشخص می شود که لازم نیست حتماً جرم بزه دیده داشته باشد، بلکه همین قدر که دروغی منتشر شود برای تحقق جرم کفایت می کند. خامساً خود ماده تصریح می کند که نوشته ممکن است با امضا باشد یا بدون امضا پس برخلاف قانون مدنی سندیت داشتن یا نداشتن مهم نیست و همین قدر که ثابت شود چه کسی نوشته را تهیه کرده کافی به مقصود است.

سادساً برای تحقق این جرم نیازی به نشر اکاذیب به صیغه جمع نیست و نشر یک فقره کذب هم کفایت می کند.

از نظر رکن نتیجه جرم نشر اکاذیب از جرائم مطلق است و تحقق آن موکول به وقوع نتیجه خاصی نیست؛ یعنی اکاذیبی که منتشر می شود باید قابلیت تشویش اذهان عمومی را داشته باشد که احراز این موضوع با مقام قضایی است. از نظر عنصر روانی جرم نشر اکاذیب هم سوءنیت عام و هم سوءنیت خاص را نیاز دارد. سوءنیت عام، عمد در اظهار و نسبت دادن مطالب کذب و آگاهی از این موضوع که مطالب کذب است و سوءنیت خاص یعنی مرتکب، این اعمال را به قصد تشویش اذهان عمومی انجام داده باشد.

در ماده ۷۴۶ نیز که به نشر اکاذیب از طریق سامانه های رایانه ای اختصاص دارد رفتار فیزیکی شامل انتشار، در دسترس دیگران قرار دادن یا نسبت دادن اکاذیب به دیگری از طریق سامانه های رایانه ای و مخابراتی است که همان طور که قبلاً بیان شد جرم غیرقابل گذشت است.

در هر دو ماده ۶۹۸ و ۷۴۶ مقنن اشاره به اعاده حیثیت در صورت امکان کرده ولی در خصوص شیوه های آن سخنی نگفته است.

بهر روز جوانمرد

عصر هیات علمی دانشگاه آزاد و وکیل پایه یک دادگستری

فضای مجازی در ایران با توجه به محدودیت های قانونی موجود تبدیل به موضوعی سهل و ممتنع شده است. سهل از این جهت که تصمیم گیران و مدیران عرصه فضای مجازی سهل ترین اقدام را برای کاهش دسترسی شهروندان به پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی انتخاب می کنند که همانا فیلترتنگ باشد، از طرفی دیگر ممتنع است چرا که بعد از دور زدن فیلترتنگ و ورود به پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی به خاطر فقدان آموزش اجتماعی به شهروندان هر فردی به خود اجازه ترک تازی در این فضا را در قالب های مختلف از جمله قضاوت کردن دیگران، تهدید، بی آبرو کردن، افترا، نشر اکاذیب و توهین می دهد. در این میان برخی کاربران واقعی هستند یعنی نامی که برای پروفایل خود انتخاب کرده اند همان نام واقعی آنهاست و برخی نیز در پشت یک نام و آیدی ساختگی فعالیت می کنند. پیگیری زمانی مشکل تر می شود که کاربر ایرانی در خارج از ایران باشد، اما مخاطب و سبیل مجرمانه خود را از داخل ایران انتخاب کرده باشد. یکی از این رفتارهای مجرمانه نشر اکاذیب است که معادل انگلیسی آن false statements; spreading false news یا falsehood publishing است. سوال هایی که این نوشتار در پی یافتن پاسخ آن است اینکه ابلاغت حقوق کیفری ایران برای مبارزه با این رفتار چقدر است؟ ثانیاً راهکارهای مورد نظر برای مقابله با این رفتار چه می تواند باشد؟

نشر اکاذیب در حقوق کیفری ایران

نشر اکاذیب به معنی اظهار اخبار یا مطالب بی اساس و بی پایه و بدون منبع موثق اطلاعاتی به طور کلی است. مخاطب این رفتار یا به تعبیر بهتر بزه دیده این عمل مجرمانه طیف وسیعی را شامل می شود؛ از شهروندان معمولی (توده ها) یا افراد خاص و مهم اجتماعی و سیاسی نظیر هنرمندان، ورزشکاران و مقامات دولتی یا افراد دارای منزلت اجتماعی بالا. در حقوق کیفری ایران در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی موسوم به تعزیرات ماده ۶۹۸ به نشر اکاذیب اختصاص یافته است که اخیراً به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مجازات آن تقلیل هم یافته است.

مطابق این ماده: هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحا ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود. با توجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این جرم قابل گذشت است.

علاوه بر این در ماده ۷۴۶ همین قانون در فصل جرائم رایانه ای به نشر اکاذیب از طریق سامانه های مخابراتی و رایانه ای اشاره شده است که البته جرمی غیرقابل